

وهفت پیکر نظامی

I - اهمیت عدد هفت

۱۱ = هفتگانه های مشهور

هفت اورنگ	دو صورت فلکی بهفت اورنگ موسوم است: هفت اورنگ کهن یا دب اصغر (۱) یا ضواجم یا سربر فلک و یا بنات النعش صغری - هفت اورنگ مهین یا دب اکبر (۲) یا بنات النعش کبری و یا دختران نعش بزرگ (۳)
در کتابها بسنا ۳۲ بند ۳ از «هفته بومی» (۱۵) یعنی هفت بوم سخن رفته است. زرتشت از دیو پرستان شکایت کند و گوید که آنان بواسطه دروغ و خود ستائی در روی هفت بوم شهرتی یافتند. در دیگر بخشهای اوستا بجای هفت بوم، غالباً هپتو کرشوره (۱۶) یعنی هفت کشور یاد شده است (۱۷). در کتابهای دینی برهمنان هند نیز زمین دارای هفت کشور است بنام سپته دوی یا (۱۸) و این شباهت میان کتب مقدس ایرانی و هندی جالب توجه است (۱۹).	عاده هفت اورنگ بصورت اخیر اطلاق شود و آن بشکل خرس است و از کواکب اویست و هفت در داخل صورت و هشت در حوالی باشند و چهار از آن جمله را که بر شکل مربع مستطیل و روشن هستند با سه ستاره که بر ذنب اند بنات النعش کبری خوانند (۴) و بنات النعش صغری برابر اوست از جهت مخالف فرخی گوید (۵):
۱ - ارزمی (۲۰)، یا ارزه، کشوریست که در مغرب واقع است.	بدان امید که روزی بدست گیرد شاه چوبینه که هر آگین شدست هفت اورنگ.
۲ - سوهی (۲۱)، یا سوہ (ساوہ)، کشوریست که در مشرق واقع است.	خزینہ های پراز بس درم جو بروین پر
۳ - فردذفشو (۲۲)، یا فردذفش، کشوریست جنوب شرقی است.	همی پرا کند از بس عطا چو هفت اورنگ.
۴ - ویدذفشو (۲۳)، یا ویدذفش، کشوریست جنوب غربی است.	هفت اورنگ را بنامهای ذیل نیز خوانده اند: هفت برادران، هفت خواهران، هفت داوران، و نیز هفتو-رنگ کنایه از آسمانست (۶).
۶ - واورویشتی (۲۴)، یا وروبرشت، کشور شمال غربی است.	هفت (بنابر مشهور) از جمله چهل و هشت صورت فلکی قدما. هفت صورت ذیل را «هفت گیسودار» نامند:
۶ - واورویشتی (۲۵)، وروجرشت (وروگدشت)، کشور شمال شرقی است.	عوا (۷)، ذات الکرسی (۸)، حامل راس النور (۹)، مسک الاعنه (۱۰)، مرآة المسلسله (۱۱)، جبار (۱۲) که آنرا جوزا نیز گویند، سنبله (۱۳) (۱۴).
۷ - خونیرت (۲۶)، یا خونیرس (خوانیرس) که کشور مرکزی است (۲۷).	

(۱) Petite Ourse (۲) Grande Ourse (۳) لغت نامه دهخدا: حرف (ت) ص ۵۰
 (۴) نقایس الفنون. قسم دوم در علوم اوایل ص ۱۸۵. (۵) دیوان مصحح عبدالرسولی ص ۲۱۱.
 (۶) برهان قاطع. (۷) Le Bouvier (۸) Cassiopee (۹) برشاووش، برساوس Persée (۱۰) Cocher (۱۱) اندرومیدا Andromède (۱۲) Orion (۱۳) عذرا Vièrge (۱۴) غیبات اللغات. Hapta bûmi (۱۵) Hapto Karshvar (۱۶) تیریشث
 بند ۴۰ و بسنا ۶۵ بند ۵. Septa dvipa (۱۸) مجمع البحرین III, 21: سبت دیپ.
 (۱۹) Geiger, Ostiranische Kultur, s. 302. (۲۰) Arezahi (۲۱) Savahi. Vôuru-barəshti. (۲۴) Vidadhafshu. (۲۳) Fradadhafshu. (۲۲) Xvanirutha. (۲۶) Vôuru-jarəshti. (۲۵) (۲۷) یشتها. پورداود. ج ۱ ص ۴۳۱-۴۳۳ حاشیه.

در مهریشت کرده ۴ بند ۱۵ آمده (۱) : « به (کشور) ارزهی وسوهی ، به فردذشو و ویدذشو ، به وارو برشتی و وارو جرشتی ، **باین کشور خونیرث درخشان** ، آنجائی که ستوران آرام دارند و بناهکاه سالم ستوران است ، مهر توانا نگرانت . »
ایران شهر (کشور ایران) در کشور مرکزی یعنی خونیرس واقع است و بهمین مناسبت در اوستا خونیرس

بیش از دیگر کشورها یاد شده چه خونیرس شریف ترین قسمت زمین و مسکن ایرانیانست و ظاهراً معنی لفظی خونیرس « باگردونه های خوب » است . شرح هفت کشور در بندهشن فصل ۱۱ بتفصیل آمده است . ابوریحان بیرونی در التفهیم آورده (۲) : « و پارسیان بحسب مملکتها بهفت کشور قسمت کردند (زمین را) و این نیز از هر مس حکایت کنند (۳) برای صورت :



مؤلف مجمل التوار یخ و القمص آرد (۴) : « تقسیم زمین و اقالیم بروجی دیگر - هفت کشور نهاده اند آباد عالم [را] و زمین ایران در میان ، و دیگرها بیرامون آن برین [سان] و این صورت آنست که در دائرة متقابلست و این اقالیم است بر اوجی آسمان در میان (۵) . حد زمین ایران که میان جهان است از میان رود بلخ است از کنار جیحون تا آذربایجان و از منبسط تا بغداد سیه و فرات و بحرین و دریاء پارس و مکران ، تا بکابل و طخارستان و طبرستان ، و این سره زمین است و گزیده تر و با سلامت از گرماء صعب [و سرما صعب] . » (۶) دارد .

همین تقسیم است که در کتب اسلامی بنام هفت اقلیم یا اقالیم سبعة شهرت یافته ، منتهی حدود اقالیم بجز حدود کشورهای مذکور است . در مروج الذهب مسمودی (۷) و رسائل اخوان الصفا (۸) شرح هفت اقلیم آورده و یاقوت در معجم البلدان بتفصیل هر یک از آنها را شرح دهد و ارتباط هر یک را بسیاری و بروج چنین ذکر کند (۹) :

اقلیم اول - و آن اقلیم باتفاق ایرانیان و رومیان زحل (کیوان) راست و از بروج بجدی و دلو رابطه دارد .

- (۱) همان کتاب صفحه ۴۳۱ . (۲) مصحح آقای همایی صفحه ۱۹۶ . (۳) این تقسیم از ماخذ کهن ایرانی است نه از منابع یونانی . (۴) مصحح آقای بهار ص ۴۷۸ . (۵) همان صورت - التفهیم را با اختلاف عبارت ثبت کرده است و نیز بیرونی در کتاب « تعدید نهایت الاماکن لتصحیح مسافات الاماکن » همین صورت را بتفصیل بیشتر آورده است . رک : صفة المعمورة علی البیرونی ص ۶۱ . (۶) و نیز رک : سورة الارض . ابن حوقل . چاپ دوم لیدن ۱۹۳۸ قسم اول ص ۹ . (۷) مصحح محمد محبی عبدالحمید ج ۱ ص ۷۲ . (۸) چاپ مصر ، مصحح زر کلی ۱۳۴۱ ج ۱ ص ۱۲۰ - ۱۳۸ . (۹) چاپ مطبعة السعادة مصر طبع اول ۱۳۲۳ ج ۱ ص ۲۷ پیعد .

- در ادبیات پارسی بارها به «هفت کشور» و «هفت اقلیم» اشاره شده. فردوسی گوید:
- بهر هفت کشور همی بنگرید (۲)
- که آید زیژن نشانی بدید
- هم از هفت کشور برو بر نشان (۳)
- ز دهقان و از روم گردنکشان
- و نظامی گوید: هفت کشور تمام در عهدش (۴)
- دختر هفت شاه در مہدش (۵)
- و آن سراچه که هفت پیکر بود
- بلکه ارتنگ هفت کشور بود (۶)
- هفت شهزاده را ز هفت اقلیم
- در کنار آورد چو دریشیم (۷)
- علی فرقدی راست: بگرد مرکز چرخش مدار هفت اقلیم
- چو گرد قطب شمالی مدار هفت اورنگ (۸)
- و نظامی در این دو بیت هفت پیکر (۹) که حاکی از علاقه او بوطن خویش میباشد، بدین معنی توجه داشته که «ايران شهر» مرکز «هفت کشور» و برگزیده همه آنهاست (۱۰):
- اقلیم دوم - و آن بقول ایرانیان مشتری (هرمز) و بقول رومیان آفتاب راست و از بروج بقوس و حوت متعلقست.
- اقلیم سوم - و آن بقول ایرانیان مریخ (بهرام) و بقول رومیان عطارد راست و از بروج بحمل و عقرب رابطه دارد.
- اقلیم چهارم - و آن برای ایرانیان شمس (خرشاد = خورشید) و بقول رومیان مشتری راست و از بروج باسد تعلق دارد.
- اقلیم پنجم - و آن باتفاق ایرانیان و رومیان زهره (اناهید) و از بروج نور و میزان راست.
- اقلیم ششم - و آن برای ایرانیان عطارد (تیر) و برای رومیان قمر (ماه) راست و از بروج بجوزاء و سنبله متعلق است.
- اقلیم هفتم - و آن برای ایرانیان قمر (ماه) و برای رومیان مریخ (بهرام) راست و از بروج بسرطان تعلق دارد (۱۱)

همه عالم تن است ایران، دل
 نیست گزینده زمین قیاس نخل
 چونکه ایران کاو دل از زمین و نظام باشد فریبگی
 زبان علوم انسانی یقین باشد
 دل رکن بر بود یقین باشد

و نیز نظامی در هفت پیکر بارتباط هر کشور بستاره خاص اشاره کند، از قول «شیده ستاره شناس» گوید (۱۱):

هست هر کشوری بر کن و اساس
 در شمار ستاره بقیاس
 در فرهنگها هفت کشور و هفت اقلیم را بنامهای

(۱) و نیز رک: نفایس الفنون، قسم دوم در علوم اوایل ص ۱۴۰-۱۴۲ و غیبات اللغات: هفت اقلیم.
 (۲) کیخسرو در جام گیتی نما. (۳) برجامة زربفت خسرو پرویز. (۴) بهرام گور.
 (۵) هفت پیکر چاپ ارمغان ص ۱۴۵. (۶) همان کتاب ص ۱۳۴. (۷) همان کتاب ص ۷۹.
 (۸) برهان جامع. (۹) ص ۳۱. (۱۰) چنانکه بیرونی در التفهیم و مؤلف مجمل التواریخ
 (ذکر آنها گذشت) و ابن حوقل در کتاب صور الارس بدان تصریح کرده اند. (۱۱) ص ۱۴۲.

ذیل یاد کرده اند : هفت اصل ، هفت خط ، هفت دکان ، هفت رصد ، هفت رقعه ادا کن ، هفت زمین ، هفت علفخانه ، هفت علفخانه فلك ، هفت فرش ، هفت گاه ، هفت کره ، هفت نطع (۱) .

روزهای هفته

دانشمندان کلدی مقیاس زمان را کشف کردند و این اکتشاف از آنان بهمه ملل ازمنه قدیم منتقل شد و بخشی از آن تاکنون نیز متداولست از آنجمله است تقسیم سال بدوازده ماه قمری و هفته به هفت روز (بشماره سیارات) و روز به ۲۴ ساعت و ساعت به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه (۲) .

در ایران باستان ماه را بی کم و بیش سی روز حساب میکردند و بهرروز نام یکی از امشاسپندان یا ایزدان را میدادند و نام روزیکه بانام ماه تطبیق میشده ، آن روز را جشن میگرفتند ، چنانکه روز خرداد (ششم) از ماه خرداد ، جشن خردادگان و روز مهر (شانزدهم) از ماه مهر ، جشن مهرگان بوده است . ماه چهارهفته ، پس از اسلام در میان ایرانیان معمول شده و حتی نام شنبه (یا شنبه قدما) از کلمه آرامی شبات Shabbath آمده که در عبری شبات است و آن از کلمه ا کدی شباتو Shabbatu مأخوذ است (۳) . در تورهه آمده که خدا جهان را در شش روز بیافرید و در ششم آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد و در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود آرام گرفت .

پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آنرا تقدیس کرد (۴) بدین داستان در قرآن سوره هفتم (الاعراف) آیه ۵۲ اشارت شده : ان ربکم الله الخلیق المولود

السّموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش . منشأ این مکر در اساطیر سومری (بدون ذکر روزها) سابقه دارد و در منظومه « کیل گمش ، انکیدو و جهان زیرین » (۵) آمده (۶) چنانکه بیشتر گذشت بهود هرروز هفته را بفرشته ای اختصاص داده اند و در نزد شیعه نیز هرروز هفته منسوب بچند تن از چهارده معصوم (ع) است (۷) .

هفت خدایان

مراد از هفت خدایان (هفت خواتایان در پهلوی) هفت پادشاه ایران باستان است که پادشاهی آنان را هفت خدائی (هفت خواتایه ، در پهلوی) نامند . در

رساله پهلوی « شهرستانهای ایران » آمده : « بند ۵ - و پس اسکندر گجسته (ملعون) دینکرت هفت خدایان را سوزانید و در آب دریا افکند .

بند ۶ - مقصود از هفت خدایان ، هفت خداوندانی هستند که در آن (سمرقند) بوده اند : یکی از آنان جم ، (یکی آزی هاك) و یکی از آنان فریدون و یکی از آنان منوچهر و یکی از آنان کایوس (کاوس) و یکی از آنان کیخسرو و یکی از آنان لهراسب و یکی از آنان گشتاسب شاه [است] . (۸)

عقلای سبعة یونان

هفت تن از فیلسوفان یونان باستان بنام « عقلای سبعة » (۹) نامبردارند و آنان عبارتند از :

- تالس ملیطی (۱۰) ، بیتاکوس (۱۱) ، بیاس (۱۲) ، کله ببول (۱۳) ، میسون (۱۴) ، کیلون (۱۵) ، و سولون (۱۶) . برخی از نویسندگان بجای دو تن از ایشان بریاندر (۱۷) و اناکارسیس (۱۸) را نسام کرده اند .

(۱) در برهان جامع « هفت کشور » بمعنی هندوستان آمده . (۲) تاریخ ملل شرق و یونان ص ۸۲ و نیز L'univers, p.385-396 (۳) رک : یشتها . پورداود . ج ۱ ص ۷۸-۷۹ و روزشماری در ایران باستان ، تألیف نگارنده ص ۳-۴ . (۴) سفرییدایش باب اول بند ۱-۳۱ و باب دوم بند ۱-۳ . (۵) Gilgamesh, Enkidu et le monde inferieur (۶) رک : کشف مبدا داستان آفرینش ترجمه نگارنده . مجله سخن سال سوم شماره ۸-۹ . (۷) انهار جاریه باهتمام احمد بن محمد کریم تبریزی (مؤید الفقراء) ۱۳۵۱ ، ص ۲۴ و ۲۵ . (۸) ترجمه آقای صادق هدایت . مجله مهر سال ۷ شماره ۱ - در اینصورت آزی دهاک (ضحاک) را زائد دانسته اند . (۹) Les Sept Sages (۱۰) Tralès de Milet (۱۱) Pittacus (۱۲) Bias (۱۳) Cléobule (۱۴) Myson (۱۵) Chilon (۱۶) Solon (۱۷) Périandre (۱۸) Anacharsis (۱۹) (۱۲)